



بسم الله الرحمن الرحيم

مایه عالم طوی عن ترین سائل مغرب مقبول شده

از صحیح و تحشی کاشف قائل عقلی و قائل مادی علی علیه السلام

در بیان الهمز و طبعه محمد بن علی بن طبع نیر

[illegible]

ای دوست  
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 عذرت من غفرت  
 یا زین که چون برون  
 می نمودند و غایت  
 حاجت با آن  
 آمد علیکم السلام  
 و سلم بود و بفرموده

<p>هم برال مال و اصحاب گرامش با صفا</p> <p>حضرت فاروق نمودن علی الهی</p> <p>بهرین مخی که می فهمد بحر عقل رسا</p> <p>شسوار عرصه حق تا جدار امانا</p> <p>آن امیر المومنین شمع شبستان</p> <p>بهت بیست <sup>مبتدا</sup> مصطفی را با علی مرتضی <sup>مجر</sup></p> <p>بچو بود گل بدل در مخی بر ملا</p> <p>جانشین مصطفی فزوح قبول لایسا</p> <p>غیر ازین دیگر چه باشد بضاعت حیران</p> <p>آروین سازم و ضوایر چه بکشت</p> <p>عقل کل دار و بدو یار و یار تحیر انکا</p>	<p>حاج از صعد و بروی صلیق ان احد</p> <p>سپه سالار صدیق البر شوی ای ایل وین</p> <p>آنکه جز بوی نیاید اسمی نورین</p> <p>آن شهید نشین صدایوان غیتر</p> <p>شد بلا گردان و روح الایمن و او</p> <p>اینچو عنوان ابو و نسبت معنویان</p> <p>بندگی بر چهار صحاب زنگ طلا</p> <p>مخرن علم الهی منشأ فیض ازل</p> <p>آنکه برگرد و حریف عصمت آمد پرده</p> <p>یست جائز نام بایش زبان آدم</p> <p>اصل آن یکبار و کوه کربلا و صفا</p>
---	--

عذرت من غفرت  
 یا زین که چون برون  
 می نمودند و غایت  
 حاجت با آن  
 آمد علیکم السلام  
 و سلم بود و بفرموده

اینچو عنوان ابو و نسبت معنویان  
 بندگی بر چهار صحاب زنگ طلا  
 مخرن علم الهی منشأ فیض ازل  
 آنکه برگرد و حریف عصمت آمد پرده  
 یست جائز نام بایش زبان آدم  
 اصل آن یکبار و کوه کربلا و صفا







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







9

[illegible]

باسی مفتوح شد و یا محقق شد  
 است تا یا تا نحو که یا ساکنه  
 ضم را و یا بتجنیف است یا تشدید  
 بحر متشاكله حاشا بعد از باشد و  
 مثل حاشا الله یا حاشا که کو و مثال  
 اگر استعمال فعلیت بود و در بافتین  
 من برای شد لیکن کثیر اندر مکان  
 نیز از بحر میان کوست با مجرور و نحو  
 وضع موصولات جایش از علامت بیان  
 بعضی و قسم سیمیه و نسبت بدل  
 بحر ظرف مکانی یا زمانی است

باضم و بافتح را پس یکی این چاره  
 بعد ازین آتنا عشر اربع و کربا  
 است ضم او بخش نیز با اسکان با  
 گاه و دخی نیز است حاشا ای قفا  
 هم برین تقدیر لازم گشت است  
 پس مفعول است مضی بعد از  
 در زمان هم گاه کای مثل سر  
 واقع اندر موقع حال و کذا  
 در مقابل که الی آری مدانی است  
 نیز تجرید است و زائد هم باید مطلقا  
 نیز طریقت مجازی هم بعضی علی

[illegible]



مصدق به هم نقل شده  
و در بعضی نسخ  
از بعضی نسخ  
مستحق است

مصدق به هم نقل شده  
و در بعضی نسخ  
از بعضی نسخ  
مستحق است

چار حرف جر بود دیگر که نبود شته  
است مجرور و رشتن باب استقامت  
نزد عیسی لالت مجرور و رشتن مجرور  
چون به لولا مضمر مجرور کرده  
معنی و امتناع می بود و بود و غیر  
از پی هر جاره متعلق ضرور آمد ضرور  
یا که تا ویش بشبه فعل راجع می شود  
گویی زینها بود و مذکور پیش ه بود  
چند حرف جر بدان معنی است متعلقه  
هم لعل آمد در کس حرف اند و کلام  
گاه حرف جر شود و مخدوف در مجرور

لی بود و دیگر که از بحر غرض آن چاره  
لیکته مخدوف لالت لالت می باشد  
معنی و نفی بعد است چون معنی لا  
است نزد سیبویه و چاره چون لا  
نقل حرف جر و یک لغت است  
خواه باشد فعل یا باشد شابه فعل  
یا مستتر است آن بود معنی فعل لی  
و رنه از بحر ش مقدس کن کی این  
رَبِّ عَالَمَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
سابقا تفصیل هر از این بیان کردم  
که شود منصوب تقدیرش است و گویا

یا بالف وین تبایل شد و بود  
و در بعضی نسخ  
از بعضی نسخ  
مستحق است

مصدق به هم نقل شده  
و در بعضی نسخ  
از بعضی نسخ  
مستحق است















[illegible]





چون باشد فصل خری جریب میر	لم کی از بحر است فها م که بهر خبر
مضرو و منصوب میسر و م شد اما	گاه مضروست تمیزش می مجموع
در تمیزش جبر اگر خوانی و باشد	چون بین لم می شود و عمل می اثر
نیست جائز نزد مصری جریب میر	گاه بر تمیز هر دو من و داخل می
لیکه بر تمیز او داخل شود حق غالب	پس کاین وان معنی لم خبر است
پس این وی لغات چار دیگر یافت	نیست بروی جان خل و جهوخت
پس کای چون عم کا کطبی سی فقا	ست کار مثل قاض نیز نمی بچوخت
دُونَكَ بَلَاءٌ وَعَلَيْكَ خَيْرٌ يَا بَشَرُ	نه بوم اسم افعال کرا نشینا
باز شست و سرعان یاد گیر اینچه را	پس یوید باز رافع اسم اهتقاد
بهمزه ثانی هب با صیغهای شش را	دُونَكَ مَاهِرٌ وَدُرٌّ خَدِيدٌ وَ
لَا تُكَلِّمُ الْكَافِرَ بَاكَافٌ كَسْرُ هَمْزَةٍ آمِ حِطَّا	ماه باهمزه فتح و کسری گشت نیز

فصل در تمیز جریب میر  
چون باشد فصل خری جریب میر  
مضرو و منصوب میسر و م شد اما  
در تمیزش جبر اگر خوانی و باشد  
نیست جائز نزد مصری جریب میر  
لیکه بر تمیز او داخل شود حق غالب  
پس این وی لغات چار دیگر یافت  
پس کای چون عم کا کطبی سی فقا  
دُونَكَ بَلَاءٌ وَعَلَيْكَ خَيْرٌ يَا بَشَرُ  
باز شست و سرعان یاد گیر اینچه را  
بهمزه ثانی هب با صیغهای شش را  
لَا تُكَلِّمُ الْكَافِرَ بَاكَافٌ كَسْرُ هَمْزَةٍ آمِ حِطَّا

لم کی از بحر است فها م که بهر خبر  
گاه مضروست تمیزش می مجموع  
چون بین لم می شود و عمل می اثر  
گاه بر تمیز هر دو من و داخل می  
پس کاین وان معنی لم خبر است  
نیست بروی جان خل و جهوخت  
ست کار مثل قاض نیز نمی بچوخت  
نه بوم اسم افعال کرا نشینا  
پس یوید باز رافع اسم اهتقاد  
دُونَكَ مَاهِرٌ وَدُرٌّ خَدِيدٌ وَ  
ماه باهمزه فتح و کسری گشت نیز

فصل در تمیز جریب میر  
چون باشد فصل خری جریب میر  
مضرو و منصوب میسر و م شد اما  
در تمیزش جبر اگر خوانی و باشد  
نیست جائز نزد مصری جریب میر  
لیکه بر تمیز او داخل شود حق غالب  
پس این وی لغات چار دیگر یافت  
پس کای چون عم کا کطبی سی فقا  
دُونَكَ بَلَاءٌ وَعَلَيْكَ خَيْرٌ يَا بَشَرُ  
باز شست و سرعان یاد گیر اینچه را  
بهمزه ثانی هب با صیغهای شش را  
لَا تُكَلِّمُ الْكَافِرَ بَاكَافٌ كَسْرُ هَمْزَةٍ آمِ حِطَّا





در بیان کلماتی که در این کتاب آمده است  
 و نام و معنی خود  
 و جای و زمان و مکان  
 و هر چه در این کتاب است

الحق

نیز از آنکه محول یا گیر این جمله را	بلیغات صادر باشد آل و حج و نحل
آض و عاد و راح و جاهم قدیر	می شود ملحق بناقص شد چو در معنی
هست چنانکه کاد و کرب و شک و	دیکر افعال متعارف که عمل چنانا
می شود حاصل بوفی خرم قائل	کاد و آمد باین معنی که خبرش عنبر
گاه آن هم میشود داخل عکسین	قابل خبر مضارع بی تحول آن برو
که بوجه خوف قائل گاه بروم جا	یکه مفهوم معنی اسم را از رجب
از شروع فاعلیش حاصل خبر است	پس کرب با فتح را او شک یعنی رو
گاه او شک مثل کاد و آمد که می شک	یکه از وجه خبر مانند کاد آمد کرب
در خبر پس مثل او شک آن معنی سر	پس آن از خود محل هم طفق را معاد
باین اولی و قبل است اثبات خبر	نیز از وجه خبر ملحق بکاد آمد کرب

کرب و او شک از آنکه  
 صول خبر باین در آن بود  
 نسبت بکاد و راح و جاهم  
 مولوی یا و معنی آن  
 معنی خبرش متعارف  
 بان آن معنی می دان  
 یک کرب بی آن که کرب  
 معنی خبرش متعارف  
 کرب و او شک از آنکه  
 معنی خبرش متعارف  
 کرب و او شک از آنکه  
 معنی خبرش متعارف  
 کرب و او شک از آنکه  
 معنی خبرش متعارف

فانی که در این کتاب آمده است

این سرستار بحر معنی طغیان می نویسد ای بیت و انشا ۱۲	هر سه اول آن معنی نیز مثل کوه و لید
چون در آید هر یکی منصوب گردد	دیگر افعال یقین و شک در کان
پس طغیت با رأیت چون جدی	خلت باشد با علمین حسب
هم و جدت بین ای طغیان این	این سه بحر معنی غلبت است
پس غلبت شرک در هر دو آمده	بسیار آن خلوت بین طغیت
شد مقبوله منصوبش خبر	هر یکی بر بند او بر خبر داخل شود
لیکن جابر که معاصی و فساد و غیره	بر یکی زان و روا هرگز نباشد قصا
شد طغیت که ردیف اثبت بعضی جا	پس آن کاهی غلبت آمد معنی غلبت
هر چهار اینک بیک مفعول وارد گشت	شکل بصرت است این صفت و جدت
هست آنها هم بیک ساء انداخته	واقع است با جمل افعال معنی و جدت
تسریع فعل هر دو این با فتح فا	نعم بحر معنی نیز هم پس صل

این سرستار بحر معنی طغیان می نویسد  
ای بیت و انشا ۱۲  
چون در آید هر یکی منصوب گردد  
دیگر افعال یقین و شک در کان  
پس طغیت با رأیت چون جدی  
خلت باشد با علمین حسب  
هم و جدت بین ای طغیان این  
این سه بحر معنی غلبت است  
بسیار آن خلوت بین طغیت  
هر یکی بر بند او بر خبر داخل شود  
بر یکی زان و روا هرگز نباشد قصا  
پس آن کاهی غلبت آمد معنی غلبت  
شکل بصرت است این صفت و جدت  
واقع است با جمل افعال معنی و جدت  
نعم بحر معنی نیز هم پس صل

در قول شاعر  
لا تخلک علی اعقاب  
آنا کما یفعلون  
الاعمال  
مفعول دوم حذف کرده  
بگوید که یفعلونند  
پادشاه را را فریاد کننده  
سکان بر سر دست کرده  
سفن چینی کار داده  
سفن آن بحر  
سکان فرستاده  
بسیار این چنین  
خود ساختند و اهل آنست  
خود را و اگر شوق نمودند  
و احوال هر دو برابر است  
ایضا در آن نافیه لازم  
تصل بین افعال  
بجای آنست  
اصطلاح

این کتاب به دست حضرت  
 علی بن ابی طالب علیه السلام  
 و این لام برای  
 عین و کسورش یکی از حرف صلی است  
 این اتفاق دارند

که بکسر فاسکون عین هم جار بود	که بفتح فاسکون عین هم جار بود
عین کسورش یکی از حرف صلی است	شد و او مثل شان ای آنکه اوج فتح قاس
یا مضاف معنی واللام فاعل این	ما ل این هر دو باشد یا که ذواللام هم
نزد اکثر لغت منسوبه مفرد مطلق	یا ضمیر بهم مفرد که تمیزش بود
فعل با فاعل خبر مخصوص باشد مبتدا	بعد فاعل نام او مخصوص بالمدح و ذم
گاه فعل آن تقدیم مخصوصش و	یا خبرش مبتدا محذوف باشد پس آن
سأ مثل عین مثل غم باشد خبر	یا قرینه حذف و هم هست جار و گاه
جز تقدم آنچه در مخصوص کسور شد	فاعل اندر جند او است و مخصوص
اسم مفعول و مضاف و فعل مطلق	بعد ازین هفت قبایلی اسم و فعل
هفتو اسم تام باشد ناصب تمیز	لیس صفت باشد و اسم ناصب قاسم
یا بود معروف یا مجهول باشد ای فاعل	فعل مطلق خواه لازم یا ثوبا بقید

این لام برای عین و کسورش یکی از حرف صلی است  
 این اتفاق دارند  
 یا مضاف معنی واللام فاعل این  
 نزد اکثر لغت منسوبه مفرد مطلق  
 فعل با فاعل خبر مخصوص باشد مبتدا  
 گاه فعل آن تقدیم مخصوصش و  
 سأ مثل عین مثل غم باشد خبر  
 جز تقدم آنچه در مخصوص کسور شد  
 اسم مفعول و مضاف و فعل مطلق  
 هفتو اسم تام باشد ناصب تمیز  
 یا بود معروف یا مجهول باشد ای فاعل  
 این لام برای عین و کسورش یکی از حرف صلی است  
 این اتفاق دارند  
 یا مضاف معنی واللام فاعل این  
 نزد اکثر لغت منسوبه مفرد مطلق  
 فعل با فاعل خبر مخصوص باشد مبتدا  
 گاه فعل آن تقدیم مخصوصش و  
 سأ مثل عین مثل غم باشد خبر  
 جز تقدم آنچه در مخصوص کسور شد  
 اسم مفعول و مضاف و فعل مطلق  
 هفتو اسم تام باشد ناصب تمیز  
 یا بود معروف یا مجهول باشد ای فاعل

این لام برای عین و کسورش یکی از حرف صلی است  
 این اتفاق دارند  
 یا مضاف معنی واللام فاعل این  
 نزد اکثر لغت منسوبه مفرد مطلق  
 فعل با فاعل خبر مخصوص باشد مبتدا  
 گاه فعل آن تقدیم مخصوصش و  
 سأ مثل عین مثل غم باشد خبر  
 جز تقدم آنچه در مخصوص کسور شد  
 اسم مفعول و مضاف و فعل مطلق  
 هفتو اسم تام باشد ناصب تمیز  
 یا بود معروف یا مجهول باشد ای فاعل





آن که در این شهر می باشد

نستخرج من هذا الكتاب ما يلي:

بسم الله الرحمن الرحيم

میرزا محمد علی قزوینی  
انصاف علی اسرار  
اسرار و اسرار

بسم الله الرحمن الرحيم

نیز شرطش در عمل بقول جمهور نحوات  
 اینکه در معنی ماضی هم کند گاهی عمل  
 هم فاعل ثبوت لازم که هو فاعل  
 میزند چون فعل مجهول هم مفعولش عمل  
 پس صفت میزند اخذ عمل فعل خود  
 یا با مظهر کش تعلق است یا موصوف  
 بعد از این بشود کند مابعد خود را بر مضاف  
 نیز واجب سقوط نون جمع تثنیه  
 و لا لفظی که باشد مصدر یا نحو  
 مفعولی پس بر سه قسم است یعنی این اگر  
 و بر و نیز مضاف است و در معنی

اقرآن حال استقبال باشد و اما  
 هست تا ویش تکلف فهمیدن این  
 چند مفعول ضافه لی بعد  
 شرط و تمش گفته اند اسم فاعل سابقا  
 اندران مضمر له باشد معضم صفا  
 نیز شرطش اعتماد اندران شرطش خبر  
 واجب اسقاط تون مضاف  
 بر دو قسم اداضافه پس باین  
 سوی معش و مضاف معنوی شد تا  
 جزو ثانی اصل و من حیض فی مطلق  
 پس معنی اللام اضافه آمده در

[illegible][illegible]





بعد ازین موعود این اندر هیچ  
هم تقابل هم زرم بین این پیر و  
گاه غین نگشته باشین و می حال و  
در مثال او بگو اگر شکی نیستین و سین

از تاج طبع و قاصد شیخ نواز علی متخلص

در نحو جوان نسخہ منظومہ و بحسب	آخر حسن اشی شدمیش فضلًا مطبوع
فوش از پی تار بخش نوشت همین	با شرح مایه عالم جا و بد بود مطبوع
تراجم فرزند شاد و شایسته	جلال اکامیاعی نویسنده و غفرانی خان بنی شجر محمد علی بنی
چون شد طبع شعر ز عبد الرسول	بیاد آورده و در وضع و تصنیف
همین احسن از روی اسجد جوان	آله مطبوع اجاب نظم لطیف

۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲

مفتول مطلق فصل

و این کتاب را در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در شهر اصفهان چاپ کرده و در آنجا پخش نموده است.





ع ۱۲۳۴  
۱۲۳۴/۵

This book was taken from the Library  
on the date last stamped. A fine of  
1 anna will be charged for each day  
the book is kept over time.

۱۲۳

منه  
ع ١٢٤ شرح  
٨٤٣. ٢٩١٦٤٥

شرح مائة عبد الرزاق

DATE	NO.	DATE	NO.
١٢٤٤ م شرح		٨٤٣. ٢٩١٦٤٥	

شرح مائة عبد الرسول